

توفان

ارگان مرکزی حزب کار ایران

دوره ششم - سال بیست و پنجم
آبان ۱۴۰۳ شماره ۲۹۶

یک سال از عملیات قهرمانانه طوفان الاقصی گذشت

یک سال از نبرد قهرمانانه جنبش مقاومت فلسطین علیه یکی از قدرتمندترین ارتش‌های خاورمیانه، دشمن متجاوز و صهیونیست و اربابش امپریالیسم آمریکا و کل جهان غرب می‌گذرد

اکنون اخبار هرروز صحنه‌های بیشتری از ویرانی‌ها و کشتار فلسطینیان و نسل‌کشی و انتقام‌گیری از زنان و کودکان توسط ارتش متجاوز اسرائیل را نشان می‌دهد. موج حملات بربرمنشانه هوایی رژیم نازی صهیونیستی اسرائیل همچنان سنگین است، بطوریکه که حتی «دیده‌بان حقوق بشر اروپا» اعلام کرده بود است اسرائیل معادل بیش از یک‌چهارم بمب اتم را بر سر مردم غزه ریخته است.

امروز پس از یک سال مجموع بمب‌هایی که اسرائیل بر سر مردم غزه ریخته است، بیش از مجموع بمباران لندن، درسدن، هیروشیما و ناکازاکی در طول جنگ جهانی دوم است! بیش از ۸۵۰،۰۰۰ تن بمب در خلال ۱۲ ماه بر سر مردم غزه ریخته شده است و کشتار بیش از ۴۲ هزار نفر و مجروح ساختن بیش از ۱۰۰ هزار نفر و نابودی ۸۰ درصد از زیرساخت‌های غزه جنایت علیه بشریت است. حداقل ۲۰ هزار کودک در خلال ماه‌های گذشته از بربریت و توحش و این نسل‌کشی ننگی است بر رژیم جعلی اسرائیل، طرفدارانش و کسانی که به هر دلیل در قبال این جنایت سکوت پیشه کرده‌اند. تاریخ بشری هرگز این جنایتکاران و همدستان آنها را نه می‌بخشد و نه فراموش می‌کند.

یک سال مقاومت حماسی، یک سال مقاومت مرگ و زندگی در مقابل ارتش متجاوز و خون‌ریز صهیونیستی، یکی از شاهکارهای تاریخ بشری است، شاهکاری که افسانه قدر... ادامه در صفحه ۲

اقتصاد مافیایی جمهوری اسلامی ایران (بخش ۱)

جمهوری اسلامی ایران علیرغم اینکه در یک کشور غنی و زرخیز زمام امور را بدست دارد، امروز پس از گذشت بیش از چهاردهی، کماکان کاهش تولید، رکود، بیکاری، افزایش نرخ ارز، افزایش بی سابقه نقدینگی و به طریق اولی افزایش نرخ تورم، افزایش نجومی قیمت‌ها، کاهش صادرات و بالاخره کوچک تر شدن هر چه بیشتر سفره اکثریت جامعه بویژه زحمتکش‌ان، سیمای جامعه ما را تیره و تار کرده است. ما در زیر خواهیم کوشید تا برخی از مشکلات به ویژه مسئله قیمت ارز، نرخ تورم، افزایش نقدینگی، علت رکود و عدم توسعه و ... را بر شماریم.

امروز بانکهای کشور بویژه بانکهای خصوصی با مشکلات عظیم مالی روبرو هستند. دو قوه مجریه و مقننه کشور می‌پندارند که با افزایش قیمت ارز می‌توانند منابعی برای تامین بدهی‌های عظیم مالی بوجود آورند. هم اکنون سرنوشت سپرده‌های مردم نزد بانکها کاملاً ناروشن است و معلوم نیست کجاست. بدهی بانکها به بانک مرکزی کشور به رقم نجومی ۱۰۰ هزار میلیارد تومان رسیده است. طبق قوانین سرمایه داری بسیاری از آنها ورشکسته اند ولی کماکان ادامه حیات می‌دهند، البته با کمک دولت. در همین رابطه دولت می‌بایست این بدهی نجومی را که مافیا از بانکها وام گرفته و پس نداده است، تامین کند. امروز سهم بدهی بانکها به بانک مرکزی ۷۰٪ از حجم نقدینگی کشور را تشکیل می‌دهد.

دولت و مجلس تصمیم گرفته اند که با افزایش قیمت ارز، عملاً از جیب مردم، دزدی غارتگران را تامین کنند. مردم روزانه شاهدند که چگونه ارزش پس اندازهایشان در بانکها، ده‌ها درصد کاهش یافته و به این ترتیب قدرت خریدشان تنزل می‌یابد، زیرا که مردم ریال درمی‌آورند ولی مایحتاج خود را با قیمت دلار تهیه می‌کنند.

دولت حامی سرمایه داران دزد و غارتگر ایران همین چندی پیش ۳۵ هزار میلیارد تومان از منابع ملی کشور، که متعلق به همه مردم است، بابت سپرده‌های مردم نزد بانکها به آنها بازگردانده است. به بیان دیگر از کیسه هر ایرانی عملاً ۵۰۰ هزار تومان بابت زبانی که دزدان وارد آورده اند برداشته شده است! اصولاً دولت پس از محاسبه درآمد ارزی از منبع فروش نفت، ... ادامه در صفحه ۲

صلح خواهی پارکابی‌های چپ امپریالیستی در حمایت از حمله نظامی به ایران

امروز پس از عملیات انقلابی طوفان الاقصی در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ همه جهان دریافته است که رژیم صهیونیستی اسرائیل یک رژیم نسل‌کش، تبهکار و تروریستی است و هرگز به صلح و ترک خاک فلسطین نمی‌اندیشد. تا فلسطین اشغال است، صلح بی معناست. صحبت از صلح در سرزمین اشغالی یعنی تسلیم و تائید اشغال. آتش بس با صلح متفاوت است. آتش بس برای تنفس جنبش مقاومت است و یک تاکتیک سیاسی و در خدمت سیاست راهبردی برای اخراج اشغالگران از سرزمین مادری است. با اشغالگر باید با زبان گلوله و موشک و حمله طوفان الاقصی صحبت کرد. هدف ما در این مقاله رو کردن دست ایرانی‌های خود فروخته است که تشدید مبارزه مردم در سراسر جهان در دفاع از مردم غزه و لبنان و در حمله احتمالی اسرائیل و آمریکا به ایران افشا می‌کند. این خرابکاری از جانب سلطنت طلبان، فرقه مجاهدین رجوی، پیروان حزب اسرائیلی منصور حکمت شروع شد و از جانب جریانهای نظیر سازمان اقلیت، راه کارگر و احزاب ناسیونال شونیست کردی که در دو پهلو گوئی و ژورنالیسم بی‌محتوی به درجات عالی تکامل ارتقاء پیدا کرده اند، ادامه دارد. در این بین ولگردان سیاسی نیز که نه ماهیتشان روشن است و نه تعهدی داشته و نه مسئولیتی در جنبش حمل می‌کنند و نه به کسی امروز و یا فردا پاسخگو بوده و خواهند بود، با ادعای «استقلال» در دامن امپریالیسم عمل می‌کنند، در کوچه پس‌کوچه‌های باور مردم راه افتاده اند و برای حمله احتمالی رژیم صهیونیستی اسرائیل به ایران و بمباران صنایع هسته‌ای و زیرساخت‌های ایران بازار گرمی می‌کنند. آیا این ولگردان سیاسی پس مانده‌ها و مباشران همان جریانهای سیاسی ایرانی نیستند که از این در عقب وارد می‌شوند، زیرا خودشان جسارت موضع‌گیری روشن را ندارند؟

حزب ما به صراحت روشن کرده است که دنباله روان تئوری‌های ارتجاعی منصور حکمت و در اینجا «حزب کمونیست کارگری ایران» که نه کمونیست است، نه کارگری و نه ایرانی خط ارتجاعی روشنی را تعقیب می‌کند که چون خط قرمزی در تمام سیاستهای آنها به چشم می‌خورد. آنها در تمام عرصه‌های پیکار طبقاتی در جهان، از تحولات در کشورهای عربی گرفته تا عراق و افغانستان، از فلسطین گرفته تا لبنان و سوریه، از ایران گرفته تا ونزوئلا و کوبا در کنار ارتجاع جهانی، در کنار صهیونیسم و امپریالیسم قرار دارند و می‌خواهند در پارکابی آنها به ایران حمله نمایند و ایران را «آزاد» کنند. جریاناتی نظیر سازمان اقلیت و راه کارگر یا این قبیل گروه‌ها که حتی اشغال ایران را تحمل می‌کنند و می‌خواهند از «فرصت مناسب» تجاوز به ایران ... ادامه در صفحه ۵

به حزب کار ایران (توفان)، حزب طبقه کارگر ایران پیوندید

یک سال از عملیات... دنباله از صفحه ۱

قدرتی و شکست ناپذیری ارتش اسرائیل با اینهمه حمایت مالی و تبلیغاتی امپریالیسم آمریکا و کل جهان غرب را درهم شکست. تمام اهداف ارائه شده برای خلع سلاح جنبش مقاومت فلسطین با شکست روبرو شد و ارتش اسرائیل را درین بست کامل قرار داد. شمار کشته ها و مجروحان اسرائیلی از مرز ۷۰۰۰ نفر گذشته است و این حجم تلفات در تاریخ ۷۵ سال اشغال فلسطین و سلطه صهیونیسم، رخ نداده و به همین خاطر اسرائیل را در بحران عمیق امنیتی، نظامی و چند دستگی اجتماعی فروبرده است.

صهیونیست‌های اسرائیل فکر می‌کردند در همان هفته نخست با هجوم به نوار غزه، بمباران، کشتار بربرمنشانه «انسان‌نماها»، نسل‌کشی، کودک‌کشی می‌توانند شاهد پیروزی را در آغوش کشند. آنها حتی برای سیاستشان فاقد یک برنامه راهبردی هستند و نمی‌دانند که جنگ را در کجا و با چه شروطی باید پایان دهند. آنها که آینده و بقاء خود را در این درگیری می‌بینند سراسیمه به دست و پا زدن مشغولند. اسرائیل که هنوز از ضربه ۱۷ اکتبر گیج است، بدون دورنما به پیش می‌رود و فقط نسل‌کشی کرده ویر سر مردم بمب می‌ریزد و رجزخوانی می‌نماید که عملش باعث شده تمام دژ مسخره تعفن لیبرالیسم غرب در دفاع دروغین از حقوق بشر، آزادی، دموکراسی، حقوق ملل و... فروریخته و قابل بازسازی نباشد. چهره دنیا رنگ دیگری به خود گرفته است. این نبرد غافل‌گیرانه مبارزه میان دو ارتش فلسطین و اسرائیل و یا لبنان و اسرائیل نیست، نبردی میان کل جنبش مقاومت با کل جهان استعماری غرب و در راسش آمریکاست. این نبرد اکنون به نبردی فرسایشی بدل شده که نقطه ضعف اسرائیل است و چشم اندازی برای پیروزی نمی‌بیند. ممالک غربی از همان بدو امر با اتهامات و تبلیغات مبنی بر «تروریستی» خواندن سازمان مقاومت اسلامی حماس، مطبوعات جهان حتی مطبوعات برخی محافل و گروه‌های «مارکسیست-لنینیست»ها را از این اتهامات مملو ساختند. هدف آنها این بود که مبارزه آزادیبخش مردم فلسطین به رهبری سازمان حماس را مبارزه تروریستی جلوه دهند. این تبلیغات ترجیح‌بند همه تبلیغات ممالک غربی بود. به یاد داشته باشیم که مبارزه مردم فلسطین فقط در چارچوب سازمانی حماس صورت نمی‌گیرد. سازمان‌های دیگری از جمله جهاد اسلامی، جبهه خلق برای آزادی فلسطین، جبهه دموکراتیک خلق برای رهائی فلسطین و چندین سازمان دیگر نیز در این مبارزه مشترک آزادیبخش شرکت دارند. و این در حالی است که «جامعه جهانی» که اکثریت ممالک و مردم جهان را تشکیل می‌دهند به واقعیات تکیه کرده و از مبارزات آزادیبخش سازمان حماس دفاع می‌کردند و می‌کنند. کسانی حماس را «تروریست» می‌خوانند که از تروریست‌های داعش در سوریه دفاع کرده، ترور آنها در ایران را تأیید نموده از حضور آنها در افغانستان و جمهوری آذربایجان در کشتار ارمنه حمایت نموده و آنها را لای پست پیاز برای ماموریت‌های بعدی خوابانده‌اند. حملات ضد بشری و گستاخانه اخیر اسرائیل به لبنان و کشتار مردم که به بهانه نیروی مقاومت حزب الله صورت می‌گیرد فرار از شکست غزه و گشودن جبهه ای جدید برای بازگرداندن بیش از ۸۰ هزار اهالی صهیونیستی است که در اثر موشک‌های مقاومت لبنان به پا به فرار گذاشتند

و منطقه را ترک کردند. اسرائیل با حملات جنایتکارانه و کشتار سبعانه مردم لبنان نیز امکان پیروزی ندارد و تاکنون به هیچ یک از اهداف تعیین شده اش دست نیافته است. امروز با نسل‌کشی که در جریان است چپ ضد کمونیست و ایرانی‌های مزدور و وطن‌فروشی که خود را در دفاع از صهیونیسم پشت سنگر «مبارزه ارتجاعی دو قطب» پنهان کرده‌اند کاملاً بی‌ابرو شده‌اند. این مزدوران و یاور صهیونیست‌ها منتظر بمباران ایران توسط اسرائیل هستند تا دربارکابی این موجود فاشیست و تبه‌کار رژیم جمهوری اسلامی را سرنگون سازند و «جمهوری شورایی» خود را برپا کنند. این مستقر نماینده!

همانطور که اشاره رفت ۷ اکتبر نقطه عطفی درافشاء اپوزیسیون مزدور و اسرائیلی در میان ایرانیان، تجزیه‌طلبان، فرقه رجوی، پهلوی‌چی‌ها، چپ‌های ضد کمونیست، ضد کارگرانی که خود را به البسه کارگری ملبس کرده‌اند، یاران غائله زن زندگی آزادی، همدستان نازی‌های اوکراین، سازمان‌های ساختگی «حمایت از حقوق بشر»، «کانون‌های ادبی و فرهنگی» و... بود. از این تاریخ کسی نمی‌تواند چهره خود را در پشت ده‌ها هزار کودک فلسطینی کشته شده پنهان کند و از «جنایات حماس» و «حق دفاع از خود» اشغال‌گر و متجاوز به دفاع برخیزد. امروز پس از یک سال از توحش و بربریت رژیم صهیونیستی حتی یک گروه از آنها نیز حاضر نشد از مبارزه مردم فلسطین دفاع کند و همه آنها در کنار اربابشان اسرائیل ایستادند. در میان اپوزیسیون نیز این شکاف عمیق ایجاد شد و صف میهن‌دوستان و درنده‌خوها از انسان‌های شریف جدا گردید. اپوزیسیون مزدور اسرائیل که آرزوی نابودی سازمان فلسطینی حماس را در سر می‌پروراند عملاً خواهان تکرار همان سناریو در ایران است و سال‌هاست در عرصه دروغ و دغل، فقدان اخلاقیات، بی‌پرنسیپی، جعل اخبار و شایعات، آمادگی ذهنی را برای تجاوز به ایران فراهم می‌آورد. پس ماهیت مبارزه، جنگی میان میهن‌دوستان و ایران‌ستیزان مزدور است.

امروز همه آن سوپر انقلابیون «چپی» که پشت غائله زن زندگی آزادی سنگر گرفته بودند با تشدید بحران در منطقه و ادامه تعرضات صهیونیست‌ها به ملل مستقل و جنبش‌های ملی بار دیگر با پرچم ورشکسته و خاتانه نه به **جنگ، نه به جمهوری اسلامی** به میدان آمدند از صلح سخن می‌گویند و از مبارزات موهومی توده‌های فلسطین به رهبری رهبران موهومی انقلابی و سکولار برای فریب مردم سخن می‌رانند. این درحالیست که حتی یک نفر از آنها در عمل، که معیار یافتن حقیقت است، در نمایشات اعتراضی میلیونی سراسر جهان شرکت نکرد و برعکس مرتب خود را پشت کمینگاه «به ما مربوط نیست»، این جنگ «به زبان خلق‌های فلسطین، لبنان، یمن و... مردم منطقه است نقش ارتجاعی و مخربی در جنبش ضد اشغال و نسل‌کشی که بیش از یک سال است در سراسر جهان جریان دارد ایفا کرده و همچنان می‌کنند.

باید سیاست‌های سلطه‌طلبانه صهیونیستی که بر اهداف منافع امپریالیستی غزب، غارت‌گری و عظمت‌طلبانه استوار است و بر اساس نفی حقوق ملت فلسطین و قتل و جنایت آشکار مردم لبنان ترسیم گردیده، محکوم شود و با افشای سیاست جنگ طلبانه اسرائیل و حامیان امپریالیست‌اش از ادامه کشتار و نسل‌کشی ممانعت به

عمل آوریم.

ننگ بر چنین «چپ»‌های کارگری و مزدوری که آبرویی برای خود باقی نگذاشته‌اند!

زنده باد نبرد قهرمانانه جنبش رهاپبخش فلسطین علیه متجاوزین صهیونیست!

متجاوزین صهیونیست و امپریالیسم آمریکا، مسببین اصلی جنگ در منطقه!

علیه کشتار در فلسطین و لبنان! پایان فوری جنگ! *

اقتصاد مافیائی جمهوری... دنباله از صفحه ۱

قیمت ارز را بر مبنای نیاز کیسه گشادش، بویژه کیسه گشاد مراکز و موسسات دینی، هزینه‌های حدود ۲۰۰ هزار آخوند - ۱۳۰ هزار آخوند مرد، ۶۰ هزار آخوند زن و ۱۰ هزار طلبه خارجی که به خرج جمهوری اسلامی (تو بخوان به خرج مردم ایران) پرورش می‌یابند- تعیین می‌کند. حال که قیمت ارز را تعیین کرد سعی می‌کند آن را حتی گران تر در بازار بفروشد تا هزینه‌های ریالی مورد نیازش برآورده شود. اگر در طول سال، بودجه کفاف نکرد باز هم ارز را گران تر می‌کند تا «چاه ویل» دولت پر شود.

به این ترتیب بازار در تعیین نرخ ارز نقش ناچیزی دارد، این دولت و قاچاقچیان ارز هستند که قیمت ارز را تعیین می‌کنند و بانک مرکزی هم صبح به صبح با تعیین قیمت، ارز را تحویل صرافی‌ها می‌دهد!

واقعیت دیگر اینست که سیاست نئولیبرالی حاکم بر اقتصاد ایران مانع از آن است که چتر حمایتی مردم تهیدست، که می‌بایست از طریق یارانه‌ها تأمین گردد، به آنها تعلق گیرد. یارانه در ایران تقریباً از بین رفته و در نتیجه، مردمی که در اثر شرایط گرانی و تورم و بیکاری و ... روز به روز فقیرتر می‌شوند از هیچ کمکی برخوردار نیستند.

علی القاعده می‌بایست دولت جهت جلوگیری از گسترش فقر یک برنامه حمایتی از اقشار تهیدست - شبیه همان دوران کوپنی بعد از انقلاب ۵۷ - تنظیم کند. بعلاوه او باید بر ارزهای صادراتی کنترل داشته باشد تا به کشور بازگردانده شوند و عرصه تولید را رونق ببخشند. اما امروز کسری بودجه و هزینه‌های آخوند خور، دولت را مجبور می‌کند که با افزایش نقدینگی، که تورم را باز هم بیشتر افزایش خواهد داد، نیاز خود را برطرف کند. اساساً درآمد ارزی از هر منبعی که باشد باید وارد کشور شود و باعث رشد تولید و افزایش فرصت شغلی گردد. تنها از این طریق می‌توان توسعه را تحقق بخشید و در عین حال با فقر مقابله کرد. در شرایطی که کشور هر لحظه می‌تواند درگیر جنگ منطقه‌ای شود، پشتیبانی وسیع مردم یکی از شروط اساسی ثبات و نجات کشور است. عدم برخورداری از مقاومت و پایداری مردم، کشور را به مراتب آسیب پذیرتر از آنچه که هست می‌کند.

مصیبت عظمی چند نرخی بودن ارز است. کشور ما دارای یک بازار ارز قاچاق است که در آن قاچاقچیان قیمت ارز را به آن تحمیل می‌کنند و دولت هم به دلیل نیاز مالی خود به این روند لیبیک می‌گوید و سعی می‌کند نرخ ... ۱۵۰٪ در صفحه ۳

سرنگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی ایران به دست مردم ایران

اقتصاد مافیائی جمهوری... دنباله از صفحه ۲

رسمی خود را به سطح آن برسانند. بر خلاف اصل سرمایه داری که می گوید: «این بازار است که قیمت را تعیین میکند.» در ایران این قاچاقچی است که قیمت ارز را تعیین می کند! ارقام زیر گویای این روند بیمارگونه در اقتصاد ایران است:

در سال ۱۳۷۱ نرخ ارز رسمی ۱۷۰ تومان بود، در سالهای ۸۰ تا ۸۱ به ۸۰۰ تومان رسید، در سال ۱۳۹۷ به ۵۰۰۰ تومان صعود کرد که دولت آن را در سطح ۴۲۰۰ تومان به اصطلاح «تثبیت» کرد. در سال ۱۴۰۱ دولت آن را در سطح ۲۸۵۰۰ تومان «تثبیت» کرد و اکنون صحبت از آن است که باید ارز ترجیحی را حذف کرد و قیمت ارز را در سطح ۶۰۰۰۰ تومان «تثبیت» کرد! این روند تصاعدی رشد قیمت ارز و در نتیجه بی ارزش شدن ریال، مادام که این نظام غارتگر در ایران استوار است و قاچاقچیان ارز بر بازار ارز ایران حکم می رانند و دولت نیز همیار و همکار آنهاست ادامه خواهد داشت. همه می دانستند که ارز ترجیحی ۴۲۰۰ تومان رانت آفرین بود. زیرا آن کسی که قادر است ارز ۴۲۰۰ تومان را از بانک مرکزی دریافت کند و در بازار به تولید کننده ۲۵۰۰۰ یا ۲۶۰۰۰۰ و حتی ۲۸۵۰۰ تومان بفروشد و مابه التفاوتش را به جیب مبارک بریزد قاچاقچی ارز است. در نتیجه تولید کننده مجبور است محصولات خود را بر مبنای همان ۲۸۵۰۰ تومان محاسبه کند و به مردم بفروشد، مثلاً وارد کننده روغن خام که می بایست قادر باشد با وام ارز ترجیحی ۴۲۰۰ تومان روغن وارد کند، چون قاچاقچی با انحصار بازار ارز آنرا به ۲۸۵۰۰ تومان رسانده، تولید کننده روغن مجبور است ارز را با قیمتی که قاچاقچی تعیین کرده است بخرد. به این ترتیب قاچاقچی مابه التفاوت ۴۲۰۰ و ۲۸۵۰۰ را به صورت رانت می بلعد و بر ثروت نجومی اش می افزاید و قدرتمند تر می شود. و این تنها به خاطر زد و بندهایی که با عوامل دولتی دارد میسر می گردد.

حذف و مبارزه با رانت خواری در صورتی امکان پذیر است که تنها یک قیمت برای ارز تعیین شود تا دست صرافان و رانت خواران از اقتصاد ایران قطع شود. مخبر، معاون دولت رئیسی در سال ۱۴۰۱ به وی می گوید: «باید ارز ۴۲۰۰ را حذف کنید چون کالاهای اساسی ما ارزان تمام می شود و در سوپر مارکت های کشورهای همسایه پر است از کالاهای اساسی ما، نظیر ماکارونی، روغن و غیره. شما برای ۸۰ میلیون نفر ارز ترجیحی نمی دهید، بلکه برای ۴۰۰ میلیون نفر می دهید! ما در همان سال مجبور شدیم ۱۸ میلیارد دلار ارز با قیمت ۴۲۰۰ اختصاص دهیم. ما باید اختصاص ارز ۴۲۰۰ را حذف کنیم تا جلوی قاچاق کالا و رانت را بگیریم.» ناگفته نماند که اگر ۱۸ میلیارد دلار برای ۴۰۰ میلیون نفر بوده، برای ۸۰ میلیون نفر فقط ۴ میلیارد دلار نیاز بود!

از یک طرف قاچاقچیان با دارایی ارزی خود پیوسته بازار ارز را فعال کرده و قیمت ارز را بالا می برند و دولت هم که در اثر دزدی، غارت و ندانم کاری پیوسته به بودجه بیشتری نیاز دارد، نرخ ارز رسمی را به نرخی که قاچاقچیان تعیین کرده اند ارتقاء می دهد. حتی نرخ سکه و طلا از همین نرخ ارز تبعیت می کنند. آیا با وجود چنین بازار و چنین دولتی می توان به قیمت ارزی رسید که بتوان منابع ارزی کشور را با قیمت مناسب به تولید کنندگان تخصیص داد؟ قیمتی که تولید کننده را تشویق و موجب رونق تولید، سوددهی و به یک کلام

رشد و توسعه شود؟ آیا می توان با تخصیص حداقل منابع ارزی حداکثر نیاز جامعه را برآورده ساخت؟

در کشور ما تولید کننده و مصرف کننده بر قیمت ارز، مستقیماً اثر گذار نیستند. قیمت ارز در ایران از قیمت ارز در یک بازار متعارف سرمایه داری سالهای نوری فاصله دارد. اقتصاد، زیر سلطه قاچاق ارز در بازار ایران، نه تنها باعث رشد و توسعه نمی شود، نه تنها فرصت شغلی ایجاد نمی کند، نه تنها رشد نرخ تورم را کاهش نمی دهد، نه تنها گرانی را مهار نمی کند بلکه برعکس محل چنین روندی است. آنچه در کشور ما رشد می کند چپاول و غارت و رانت خواری است. دولت ارزها را به قیمت رسمی را به یک عده خاص تخصیص می دهد و ریشه رانت خواری دقیقاً در همین امر نهفته است.

اولین قدم کج را وارد کنندگانی که ارز ترجیحی دریافت کرده اند برمی دارند. وارد کنندگان از فروشنده خارجی می خواهند. که قیمت کالا را بیش از قیمت واقعی در اظهارنامه قید کنند. غارتگران با این ترفند رذیلتانه نه تنها قیمت جنس را تصنعی افزایش می دهند بلکه ما به التفاوت ارز را مستقیماً در بانکهای خارج می خوابانند! از سوی دیگر بسیاری از صادر کنندگان کالا نیز ارز حاصل از فروش کالا را اصلاً به ایران باز نمی گردانند و دولت هم هیچگونه کنترل و نظارتی بر این ترفند ها و غارتگری ها ندارد.

برای نمونه فولاد مبارکه اصفهان ۵/۱ میلیارد دلار ارزی که از قبیل صادرات بدست آورده بود را وارد کشور نکرد. اما همینکه دولت گفت که این ارز را، نه با قیمت «نیمایی» (نظام یکپارچه معاملات ارزی) بلکه با قیمت بازار محاسبه می شود، فوراً آن ۵/۱ میلیارد ارز را وارد کردند. یعنی عملاً دولت در مقابل اولیگارش می تمکین کرد. علاوه بر این در کشور ما کلان سرمایه داران با دادن رشوه به راحتی قادرند هر مقدار ارز که می خواهند به خود اختصاص دهند. و آنگاه دولت به نام حمایت از محرومین عملاً با بوجود آوردن امکانات دزدی، ثروتمندان را فریب تر و تهی دستان را محروم تر می کند. به نام محرومین، به کام اولیگارش می.

گفتیم در نظام های سرمایه داری صادرکننده کالا می بایست ارز حاصل را به کشور بازگرداند، چرا باید تولید کننده ای که از نیروی کار، منابع ملی، آب، برق و گاز کشور استفاده می کند و به محیط زیست هم آسیب می رساند ارز حاصل از فروش تولیدش را به کشور بازگرداند، بلکه به بانکهای خارج بسپارد، در آنتالیا و کویت مسکن بخرد و کسی هم نگوید که «بالای چشم شما ابروست»؟

کشور ما در حال حاضر سالی ۶۰ میلیارد واردات دارد که ۸۰ درصد آن را مواد اولیه و کالاهای سرمایه برای تولید در برمی گیرد. آیا اگر منابع مالی که از کشور خارج می شود، در عرصه تولید داخلی به کار افتد، هنوز هم باید سالی ۶۰ میلیارد کالا وارد کنیم؟! آنها حتی کالاهایی که با ارز ترجیحی وارد کشور شده است را به کشورهای همسایه قاچاق می کنند و گران تر می فروشند. در واقع یکی از دلایلی که تولید کنندگان ایرانی علاقه ای به سرمایه گذاری ندارند همین شیوه تخصیص ارز ترجیحی به قاچاقچیان است. زیرا قاچاقچیان با تخصیص ارز ترجیحی به خود، کالای ارزان وارد کرده و آن را گرانتر می فروشند. نمونه بارز آن «چای دیش» معروف است. به این ترتیب حاکمیت، ضد تولید عمل می کند، گرانی

ایجاد می کند و فساد را رواج می دهد. حتی بسیاری از تجار مذکور پس از مدتی همان ارزها را به صورت قاچاق وارد ایران می کنند و در بازار، آزادانه به قیمت گرانتر از قیمت موجود به فروش می رسانند و بر ثروت های باد آورده خود می افزایند.

صاحبان ارز چه کسانی هستند؟

یکم، کسانی که کالای غیر نفتی صادر می کنند و ارز حاصل از فروش کالا را در اختیار بانک مرکزی نمی گذارند و آن را در بازار آزاد به فروش می رسانند.

دوم کسانی که مواد مخدر و یا سایر کالاها را قاچاق می کنند و ارز حاصل از آن را در بازار آزاد، باز هم گرانتر از قیمت روز می فروشند. در ایران سالانه حدود ۲۵ میلیارد دلار کالا قاچاق می شود و چون حجم آن بالاست بیشترین تاثیر را در گران کردن قیمت ارز دارد.

سوم، کسانی که برای حفظ دارایی ریالی خود آن را به ارز تبدیل می کنند و در فرصت مناسب گران تر می فروشند. سفته بازان نیز جزو این گروه محسوب میشوند. **چهارم،** بانک مرکزی خود مترصد است به محض اینکه ارز گران تر می شود، برای کسب منابع ریالی، میلیاردها دلار به بازار تزریق کند. پیش آمده است که بانک مرکزی در عرض یک سال ۱۸ میلیارد دلار و بعضاً بیشتر به بازار تزریق کرده است.

متقاضیان ارز در بازار چه کسانی هستند؟

یکم، تولید کنندگانی که ارز کافی ندارند و ناچارند که از بازار ارز، آن را تهیه کنند

دوم، قاچاقچیان. در ایران سالانه ۲۵ میلیارد دلار کالا قاچاق می شود. قاچاقچیان در هدایت نرخ ارز سهم بسزایی دارند، چون حجم ارزی که نیاز دارند بالاست.

سوم، فرار سرمایه، به این صورت که برخی از سرمایه داران بخشی از سرمایه ریالی خود را در بازار آزاد تبدیل به ارز خارجی کرده و آن را به صورت قاچاق خارج می کنند.

چهارم، سفته بازان که ارز را مثلاً امروز می خرند ۶۰ هزار تومان و به محض اینکه از مرز ۶۵ هزار تومان گذشت آن را می فروشند.

پنجم، مسافران به خارج از کشور که ارز مورد نیاز خود را از بازار آزاد ایتیاع می کنند.

ششم، عوامل بیگانه و وابسته که ماموریت دارند ارز آزاد را بخرند تا قیمت ارز ترقی کند.

به این ترتیب قیمت ارز روز به روز افزایش می باید و دولت نیز با حذف ارز ۴۲۰۰، یا ۲۸۵۰۰ و ... قیمت بازار را «تثبیت» می کند! و به این ترتیب سفره مردم را پیوسته کوچک تر می کند. این قیمت نه مبنای اقتصادی دارد، نه علمی، نه اخلاقی و از هم بدتر، نه عدالتی که جمهوری اسلامی مدعی آنست! همین روند بسیار گونه و دزد آفرین، قیمت ارز را از ۲۵۰۰۰ تومان در سال ۱۴۰۱ به ۲۸۵۰۰ و اکنون به بالای ۶۰۰۰۰ تومان رسانده است. در این روند ناسالم دولت عملاً همدست قاچاقچیان و دزدان، به زبان اقتصاد کشور و مردم عمل می کند. تقریباً در هیچ کجای دنیا، آتم در کشوری که بر روی گنج نشسته باشد، قاچاقچیان با بازی با ارز مدام قیمت ارز را افزایش نمی دهند و کشور را به سوی ورشکستگی و مردم را به سمت فقر، تا سر حد فقر مطلق سوق نمی دهند...*

ادامه دارد.

نیات شوم صهیونیسم... دنباله از صفحه ۸

به اشکال مختلف حمایت آشکار می کند. البته آنطور که اسرائیل فعلاً وانمود می کند و غرب نیز همان را نشخوار می کند، هدف از زدن حزب الله، امن سازی شمال اسرائیل و بازگرداندن ۶۰ هزار شهرک نشین که از شهرک های شمالی گریخته اند، به منازلشان است! و در این راستا غرب بویژه آمریکا و آلمان، حامی مادی، معنوی، تبلیغاتی، سیاسی و نظامی تجاوزگران اسرائیلی هستند.

از سوی دیگر ادامه جنگ در جبهه های غزه و لبنان و گسترش آن به کل منطقه، برای تانیاهاو نعمت است، زیرا مادام که جنگ ادامه یابد او در قدرت باقی خواهد ماند و از مصونیت قضایی - به خاطر فساد که مرتکب شده است - در امان خواهد بود.

هم اکنون در غزه، گرچه ۸۰٪ از مناطق مسکونی از بین رفته و مردم بی سرپناه هستند، اما چون هنوز هوا در آنجا نسبتاً ملایم است، می توانند بی سرپناه، شب را به صبح برسند، اما در آینده ای نه چندان دور بارش های پاییزی و زمستانی آغاز و هوا رو به سردی خواهد گراید و مردم غزه ناچارند که بدون مأوا در گل ولای و سرما در چادرها بسر برند.

به دلیل سوءتغذیه، عدم دسترسی به آب آشامیدنی، شیوع بیماری، عدم دسترسی به مراکز درمانی و ... جان آوارگان به معنی واقعی کلمه در خطر است. به این ترتیب وضعیت بیش از دو میلیون مردم غزه بیش از همیشه وخیم و خطرناک بطور روزانه آنها را تهدید می کند.

البته صهیونیستها ادعا می کنند که هدفشان نابودی حماس است - امری که از محالات است - ولی در عمل به نسل کشی و پاکسازی قومی خود، نه تنها در غزه که در کرانه باختری به طرز شنیعی ادامه می دهند. به شهادت همه کارشناسان بی طرف، حماس که خود را برای یک جنگ چریکی دراز مدت آماده ساخته است به این راحتی نابود شدنی نیست. امپریالیستها نه تنها چشم خود را بر این جنایات هولناک صهیونیست ها بسته اند، بلکه با ابزار تبلیغاتی خود این ایده را به مردم حقه می کنند که اسرائیل حق دفاع از خود را دارد (!) و کلامی هم از راه حل های دیپلماتیک جهت دستیابی به آتش بس و متوقف کردن کشتار و خونریزی و گرسنگی و آوارگی و بیماری و مرگ هم بر زبان نمی رانند.

هدف نهائی اسرائیل البته نسل کشی و کوچ دادن دو سوم مردم غزه (پاکسازی قومی) به کشورهای همجوار عربی است. رژیم جعلی صهیونیستی حتی در این زمینه با اتحادیه اروپا و برخی از کشورهای عربی و آفریقای وارد مذاکره شده است.

هدف روشن است، «پاکسازی قومی!». این رژیم سیاهکار و جنایتکار، همانند هیتلر که کشتار یهودیان، کمونیستها و دگراندیشان را در دیده مردم آلمان عادی ساخته بود، کوشیده است تا اکثریت شهرک نشینان را در این سیاست ضد بشری با خود همراه سازد. در این راستا نیروهای راست افراطی و شوونیستی که از سال های ۱۹۷۰ به این سو پیوسته قوی تر شده اند، بویژه امروز که در ائتلاف با تانیاهاو به سر می برند، در این روش جنایت بار نقش تعیین کننده ای دارند. آنها با ترور اسحاق رابین در سال ۱۹۷۴، ناقوس مرگ راه «دو دولتی»

- که از ابتدا برای فریب فلسطینی ها طرح شده بود- را که در قرارداد اسلو، میان یاسر عرفات، اسحاق رابین و کلینتون به تصویب رسیده بود را به صدا در آوردند. دولت راست افراطی اسرائیل همچون دیگر دولت های صهیونیستی گذشته، امروز با هدف ایجاد «اسرائیل بزرگ» در صدد بیرون راندن نه تنها اعراب مسلمان، بلکه مسیحیان از سرزمینی که متعلق به آنهاست می باشد.

نتیجه اعمال این سیاست وحشیانه، وضعیت هولناک و دلخراشی است که مردم غزه به آن دچار آمده اند. آوارگی، گرسنگی، نبود درمان و بهداشت، عدم وجود آب شرب، عدم وجود فاضلاب که نتیجه اش گسترش بیماری و مرگ و میر است، شرایط روانی ناهنجاری را بوجود آورده و نتیجتاً بیماری های روحی و روانی روز به روز در حال ازدیاد است.

جهان غرب گرچه که به این وضعیت رقت بار مردم غزه آگاه است ولی با ایفای نقش نظاره گر، لب از لب نمی گشاید و کماکان مشغول تحویل سلاح و کمک مالی به این دیو بد سیرت و بد سرشت است.

این جنایات همزمان در کرانه باختری نیز صورت می گیرد. صهیونیست های مسلح به سلاح گرم، مناطق مسکونی این دیار را عملاً به جهنمی تبدیل کرده اند تا با «پاکسازی» آنها و بنا کردن شهرک های خود به اهداف پلید خود جامه عمل پوشند. امروز این ایده که «سرزمین فلسطین، از رود اردن تا دریای مدیترانه، باضافه بلندی های جولان متعلق به یهودیان است»، در بین صهیونیستها بیش از گذشته دامن گستر شده است. از دولت، ارتش و کل رژیم گرفته تا مردم عادی به این ایده متحجر راسیستی نه تنها باور دارند، بلکه با تمام قوا در این راستا عمل میکنند به این ترتیب برای فلسطینی های رانده شده از خانه و کاشانه شان مأوایی وجود ندارد.

در واقع آنچه که امروز ما شاهد آن هستیم، ادامه عملی دستیابی به ایده ضد مردمی و فاشیستی «اسرائیل بزرگ» است. اعمال خشونت و جنایت در خدمت پاک سازی قومی، جهت تحقق بخشیدن به دستیابی به «اسرائیل بزرگ» و نه آنطور که حکومت های غرب و رسانه های جیره خوارشان، بویژه آلمان، آمریکا و انگلستان وانمود می کنند «حفاظت از امنیت اسرائیل» و «حق دفاع از خود و حفظ امنیت در مقابل گروه های تروریستی»!!

در صورتیکه مردم کشورهای غربی و نیز مردم «جنوب جهانی»، اسرائیل را به نسل کشی متهم کرده و نیکاراکوئه طرح شکایت آن را در دیوان بین المللی با موفقیت باز و دنبال کرده است. بی جهت نیست که دیوان بین المللی حکم جلب تانیاهاو و وزیر جنگش «گالات» را صادر کرده است. به این ترتیب برای مردم «جنوب جهانی» رباکاری، تزویر، دورویی و اخلاق دوگانه کشورهای امپریالیستی غرب بویژه آلمان، آمریکا و انگلستان روز بروز آشکار تر می شود. آشکار می شود که غرب دائم واژه های دموکراسی و حقوق بشر را نشخوار می کند ولی آنچه را که خود در عمل، در جنگ های تجاوزگرانه متعدداش مرتکب می شوند، ویرانی و کشتار میلیونی را که به جای می گذارند، در پرده نگه می دارند و به سکوت برگزار می کنند. طبیعتاً آنچه که طی ۷۶ سال گذشته در سرزمین های اشغالی گذشته است، بویژه از اکتبر ۲۰۲۴ تا کنون، از این قانون مستثنی نیست، زیرا که در راستای منافع آنان است زیرا که اسرائیل پایگاه آنها در غرب آسیا

بشمار می آید.

امروز کلیه کشورهایی که به نوعی به علت جنگ های امپریالیستی آسیب دیده و یا به علت سیاست استعماری و مبارزات قهرمانانه فلسطین و لبنان را تحسین می کنند و به صور گوناگون پشتیبانی خود را از آنها در مقابل سیاست استعماری اسرائیل و پشتیبانان امپریالیست آن به منصفه ظهور می رسانند، زیرا که خود قربانیان سیاست های چند ده ساله و یا چند صد ساله استعمارگران بین المللی بوده اند.

هم اکنون طبق آماري که یک موسسه آمریکایی منتشر کرده است بیش از ۵۰۰ میلیون نفر در کشورهای آسیایی محصولات غذایی شرکت های زنجیره ای آمریکایی، نظیر «مک دونالد» و «استارباکس» را تحریم کامل کرده اند. در بسیاری از کشورها، میلیون ها نفر محصولات اسرائیلی را تحریم کرده اند. دور نیست روزی که مردم جهان بویژه مردم جنوب جهانی خرید محصولات صنعتی، تکنولوژی و اتومبیل از کشورهای حامی اسرائیل نظیر آمریکا، آلمان، انگلستان و ... که در عین حال بزرگترین تحویل دهندگان اسلحه به اسرائیل نیز هستند را تحریم کنند.

در این میان کشور آلمان که بار گناه جنایات ناسیونال فاشیست ها در جنگ دوم جهانی، نظیر «آشویتس» و کشتار میلیون ها یهود را برگردۀ خود حس می کند، می پندارد که با تأیید کامل سیاست جنایتکارانه صهیونیست های اسرائیل می تواند جبران مافات کند و بار گناهان خود را سبکتر سازد!!

آنها که می گویند ما از اسرائیل حمایت می کنیم، علناً و آشکارا از کشتار دسته جمعی (نسل کشی)، انقیاد، سلطه، آواره ساختن یک ملت و به یک کلام از راسیسم، فاشیسم و پاکسازی قومی دفاع می کنند و با کمک مالی و تسلیحاتی عملاً در این جنایت تاریخی سهیمند. آنها که به ظاهر وجدانشان از «آشویتس» زنج می برد، امروز خود از رژیمی حمایت می کنند که ده ها هزار نفر را به گلوله می بندد، به عمد کودکان را می کشد، با بمب فسفوری و بمب آغشته به اورانیوم رقیق شده به جان مردم فلسطین افتاده است، بر سرشان هزاران تن بمب می ریزد و بویرانسازی ۸۰٪ از مناطق مسکونی، ده ها هزار نفر را در زیر آوار مدفون می سازد و زیرساخت های بیش از دو میلیون نفر را نابود می سازد و ... تا به اهداف پلید راسیستی، فاشیستی و استعمارش جامه عمل پوشد.

در کشور آلمان تظاهرات علیه جنایات اسرائیل ممنوع است و اگر کسی شعار از «رودخانه تا دریا» و یا «فلسطین آزاد» را سر دهد مجرم شناخته می شود، ولی رژیم صهیونیستی و راسیستی اسرائیل که عملاً با نسل کشی قصد ایجاد «اسرائیل بزرگ» از «رودخانه تا دریا» را دنبال می کند مورد حمایت آنهاست!! و کوچکترین اعتراض به اسرائیل «آنتی سمیتیسم» (یهودی ستیزی) محسوب می شود!!

این ایده که هر اعتراضی نسبت به اسرائیل را با چنین برچسبی محکوم کنند از سال ۲۰۰۰ که اسرائیل بعد از ۱۸ سال اشغالگری در لبنان از حزب الله شکست خورد - چون دیگر تحمل از دست دادن نیروهای نظامی بیشتر را نداشت و پا به فرار گذارد- سیاستمداران صهیونیست اسرائیل و طرفداران بین المللی شان که قصد شومشان تشکیل «اسرائیل بزرگ» است، ... ادامه در صفحه ۵

حماس رهبر رهایی بخش مردم فلسطین بر ضد اشغالگری و تجاوز است

نیات شوم صهیونیسم... دنباله از صفحه ۴

ابداع کردند و رواج دادند. هر عقل سلیمی از خود می پرسد که چگونه می توان میان اعتراض و مبارزه با رژیم صهیونیستی و آنتی سمیتسم علامت تساوی گذارد؟ این منظور حتی اتحادیه ای متشکل از چند کشور، تحت نام "آی سا" تشکیل شد و بر سرفروملبندی توافق کردند که در واقع هر نوع اعتراض به رژیم صهیونیستی اسرائیل را با " آنتی سمیتسم" برابر می دانست. این فروملبندی را کشورهای غربی یکی پس از دیگری از آن خود ساختند و تاکنون نیز بدان عمل می کنند. این اتحادیه در آلمان هم شعبه دارد و در این راستا شدیداً فعال است. به محض اینکه حرکتی اعتراضی، نسبت به رژیم صهیونیستی اسرائیل صورت گیرد بر آن مهر «آنتی سمیتسم» می کوبند. شعب این اتحادیه در آلمان از جانب دولت آلمان ماموریت رسمی دارند که هر اعتراضی را نسبت به رژیم اسرائیل و جنایاتش، در نطفه خفه سازند. علیرغم این دولت آلمان که صادرات اسلحه خود به اسرائیل را از ۱۷ اکتبر ۲۰۲۳ به ۱۰ برابر رسانده بود، از بعد از شکایت نیکاراگوئه آن را به شدت کاهش داده است. زیرا بیم آن دارد که در مقابل دادگاه بین المللی به جرم شرکت در نسل کشی محکوم شود.

به دیده دولت آلمان آموختن از «هولوکاست» یعنی مخالفت با هر نوع اعتراضی نسبت به رژیم جبار اسرائیل! غافل از اینکه با این عمل، خود را شریک جرم «هولوکاستی» که رژیم اسرائیل در فلسطین و لبنان مرتکب می شود، کرده است. درس واقعی که جریان هولوکاست به انسان می آموزد اینست که در هر کجای دنیا جنایات مشابهی رخ داد، باید علیه آن قویاً به مقابله و مبارزه برخاست، ولی امپریالیست ها و در این رابطه امپریالیسم آلمان نه تنها از تاریخ خود نیاموخته اند، بلکه در هر زمان و مکانی که لازم باشد، آن فاجعه را تکرار خواهند کرد. کما اینکه به کمک آنها در فلسطین، هولوکاست واقعی دهها سال است که به وقوع پیوسته و ادامه دارد و آنها با تمام قوا و امکانات خود از آن دفاع و حمایت می کنند. به همین دلیل جنایات و آدمکشی های اسرائیل در فلسطین و لبنان نه تنها محکوم نمی شود بلکه گناه آن را با تروریست خواندن حماس و حزب الله به گردن آنها می اندازند. چون آنها به خود اجازه داده اند در مقابل سیاست استعماری و توسعه طلبی رژیم صهیونیستی اسرائیل مقاومت و مبارزه کنند.

این سازمانها که امروز از جانب اسرائیل و حامیان بین المللی اش تروریست خطاب می شوند، سازمان هایی توده ای، ملی و مردمی هستند که در مقابل ده ها سال تجاوز، دزدی، آدمکشی و غضب سرزمینشان مقاومت کرده، شکل گرفته و به مثابه نیروهای ضد استعماری و ضد سلطه بیگانه قد علم کرده و می رزمند. این دو سازمان، هر دو نماینده مقاومت و مردم فلسطین و لبنان هستند، که نه تنها آن ها را انتخاب کرده اند، بلکه پشت آنها نیز ایستاده اند. لذا اتهام واهی «تروریست»، ذره ای از این واقعیت نمی کاهد. این سازمان ها نه تنها با مردم خود که با هم نیز، در اتحاد و همبستگی کامل به سر می برند.

در شرایطی که رژیم صهیونیستی افسارش گسیخته و از غزه به کرانه باختری و از آنجا به لبنان و حتی به حریم ایران، سوریه و عراق نیز تجاوز میکند. برای نیروی

مقاومت، بویژه حماس، حزب الله، ایران، سوریه و ... راهی جز مبارزه و مقاومت در مقابل این نیروی اهریمنی و تروریستی باقی نمی ماند.

امروز با ادامه و گسترش جنگ به لبنان خطر کشیده شدن پای ایران به این جنگ خانمان براندازه از هر زمان به واقعیت نزدیک تر شده است. با برافروخته شدن چنین جنگی بدون تردید آمریکا و اروپا به پشتیبانی از اسرائیل از یک طرف و به احتمال زیاد روسیه و چین از سوی دیگر پشت جبهه مقاومت خواهند ایستاد. و آنجاست که احتمال وقوع جنگ در مقیاس جهانی به واقعیت تبدیل شود

پیدایش رژیم صهیونیستی

پیدایش رژیم صهیونیستی تبهکار ریشه در جنگ جهانی اول دارد. بعد از شکست حکومت عثمانی در سال ۱۹۱۸، انگلستان در فلسطین مستقر شد. دولت بریتانیا با تصویب قرارداد بالفور تصمیم گرفت که فلسطین را به «خانه ملی برای مردم یهود» تبدیل کند. قبل از آن در ... ادامه در صفحه ۶

صلح خواهی پارکابی های ... دنباله از صفحه ۱

با همدستی امپریالیست ها در ایران «سوسیالیسم شورایی» را مستقر کنند!!! درست خوانده اید، آنها می خواهند در پارکابی امپریالیستها به ایران حمله کنند و «سوسیالیسم» را مستقر سازند. این تئوری ها از روی جهالت نیست از روی خیانت و همدستی با امپریالیستهاست که در تمام زمینه ها خودش را بروز می دهد. کارزار ایران تریبونال و معرکه گیری پشت «افشای انقلابی» حمید نوری و شرکت «مستقل» در تظاهرات غانله (زن زندگی آزادی) برلین تحت حمایت ناتو و در کنار سلطنت طلبان و محافل اسرائیلی تنها یکی از این گوشه هاست. اکنون این دارو دسته ها راه افتاده اند و با شعار «نه به جنگ، نه به جنگ طلبان، نه به حکومت اسلامی. زنده باد انقلاب کارگری!» (اعلامیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست. اتحاد سوسیالیستی کارگری، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت سوم اکتبر ۲۰۲۴) از مردم می خواهند «صدای خود را علیه جنگ و جنگ طلبان، در دفاع از روند انقلابی در ایران برای سرنگونی جمهوری اسلامی، برای همزیستی مردمان منطقه، برای به رسمیت شناسی دولت مستقل فلسطین، برای آزادی و برابری و سوسیالیسم بلند کنند» و به توجیه تجاوز اسرائیل و آدمکشی آنها پرداخته و یکی به نعل و یکی به میخ می زند. این جماعت تروتسکیست و ضد انقلابی هم سازمان مقاومت فلسطین حماس وهم کل جنبش مقاومت فلسطین از جمله جبهه خلق برای آزادی فلسطین را به خاطر حمله قهرمانانه طوفان الاقصی بعنوان «یک عملیات تروریستی» محکوم می کنند و آنها را مسبب کشتار اسرائیل و بمباران لبنان جلوه می دهند که گویا مردم «غیر نظامی» را کشتند و هم بمباران جنایتکارانه اسرائیل را که مسبب اش را حماس جا می زنند، برای فریب افکار عمومی «محکوم» می کنند. آنها با تیرهای هوایی هر دو طرف را محکوم می کنند. تو گویی اگر سازمان حماس با موشک حمله نمی کرد و تسلیم می شد و اشغال سرزمینش را توسط اشغالگران یهودی می پذیرفت، اسرائیلیها خاک سرزمینهای اشغالی را ترک و یا دولتی را به آنها اهدا می کردند، همانطور که

با قرارداد «صلح اسلو» اهدا کردند!

امروز هر یهودی «غیر نظامی» که به اسرائیل می رود، آگاه است که به یک سرزمین اشغال شده می رود و می خواهد با تمام قوا از تصاحب سرزمینهای دیگری با بمب و سلاحهای کشتار جمعی و با نسل کشی دفاع کند. هر یهودی صهیونیست که به اسرائیل می رود می داند که برای جنگ و چپاول رفته است. توجیحات دینی فقط حرف مفت و توجیه یک سیاست استعماری است. آنها را باید با قهر انقلابی بیرون کرد. نیروی «عظیم تسلیحاتی» حماس همان چیزی است که تاکنون در طی یک سال مقاومت نشان داده است. شرم آور است در شرایطی که یک جبهه انقلابی جان برکف در غزه تحت محاصره دشمن وحشی با تمام قوا علیه صهیونیسم و آمریکا وکل جهان غزب می جنگد مشتی خائن و وطن فروش به یاری صهیونیستها آمدند تا در پارکابی آنها رژیم جمهوری اسلامی را سرنگون سازند. باید دست این دشمنان مردم درلباس چپ را رو کرد و آنها را رسوا ساخت. جنبش مقاومت فلسطین، ودر راش سازمان فلسطینی مقاومت حماس بعنوان بزرگترین نیروی جنبش فلسطین حق دارد و باید برای پایان دادن به اشغال سرزمینش ازهر ابزاری که در دست دارد، استفاده کند. مبارزه خلق فلسطین توسط نماینده منتخب اش که به مذاق عده ای خوش نمی آید، محکوم نیست، عادلانه و محق است، تجاوز صهیونیستها محکوم است. این حماس نیست که تروریست است این صهیونیستها و همه متحدان آنها هستند که تروریست اند و از تروریستها دفاع می کنند. این حقه بازی روشنفکران مزدور ایرانی و امپریالیستی را ملت های جهان نمی پذیرند و محکوم می کنند. مردم همه سرزمینهای دنیا صرف نظر از دین و نژاد و بزرگی و یا کوچکی، صرف نظر از سطح فرهنگی و قدمت تاریخی و ... حق دارند در مقابل اشغالگران و زورگویان جنایتکار بپا برخیزند و آنها را در سرزمین خودشان دفن کنند، تا باشد که کسی سرزمینهای دیگران را اشغال نکند. کسانی که این حق را برای ملت ها برسمیت نمی شناسند، هوادار قانون جنگل اند، هوادار تسلط استعمار و امپریالیسم اند. این عده دستشان در مورد مسئله فلسطین رو می شود. هر چه این مبارزه تشدید شود رنگ مواضع ارتجاعی و دو پهلو را که تنها در خدمت ارتجاع جهانی است از میان می برد. تئوری «نه با این و نه با آن» تئوری «جنگیدن در دو جبهه»، تئوری «مبارزه همزمان با دو قطب ارتجاع»، ماهیت ارتجاعی خویش را در عمل نشان می دهد. اپوزیسیون انقلابی ایران باید مرزهای خویش را با این خودفروختگان روشن کند تا دست جاده صاف کن های امپریالیسم در ایران رو شود و نتوانند با نقاب «چپ»، امپریالیسم و صهیونیسم را آرایش کنند و متحد مبارزه بر ضد جمهوری اسلامی جا زنند. بر اندازی رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی باید در یک پروسه طولانی و با دست زحمتکشان و توده سازمانده یافته ایران و برای استقرار رژیم انقلابی و مترقی و در بهترین حالت رژیم سوسیالیستی و در پیکار با خودفروختگان و مزدوران امپریالیسم و صهیونیسم صورت گیرد. اگر بر ضد این جریان های خودفروخته که بخشی از آنها پول اخاذی می کنند و لذا اقتاع پذیر نیستند، مبارزه نشود زمینه خودفروختگی رشد می کند و بتدریج خودفروختگی مجلسی می گردد که گردیده است.

مبارزه خلق فلسطین که ... ادامه در صفحه ۶

تئوری «مبارزه دو قطب ارتجاع»، تئوری صهیونیسم برای تخطئه مبارزه مردم فلسطین است

صلح خواهی پارکابی های ... دنباله از صفحه ۵

از جانب مردم دنیا مورد تأیید است و این را تظاهرات های میلیونی یک سال اخیر در سراسر جهان نشان داده و همچنان ادامه دارد، برای همه ایرانیان هوادار امپریالیسم و صهیونیسم مشکل آفرین شده است که با کلی گوئی و عبارتهای پوچ از زیر بار تحلیل مشخص از شرایط مشخص شانه خالی کنند و به نفع صهیونیستها موضع بگیرند. این ایرانیها هوادار مبارزه موهومی فلسطین، خلق موهومی فلسطین هستند که در جبهه سوم موهومی فلسطین، بر ضد اسرائیل و «اسلام سیاسی» واقعی می رزمند. تا ابد نمی شود مردم فریبی و خودفریبی کرد. ننگشان باد!

نه به جنگ تجاوزکارانه رژیم نسل کش و صهیونیستی اسرائیل!

نه به نسل کشی درغزه!

نه به تجاوز و بمباران لبنان!

دستها از ایران کوتاه!

زنده باد همبستگی خلقهای منطقه علیه صهیونیسم و امپریالیسم!*

نیات شوم صهیونیسم... دنباله از صفحه ۵

فلسطین که تحت قیمومیت عثمانی بود اقلیت کوچکی از یهودیان زندگی می کردند. اما انگلستان قرارداد بالفور را به «فدراسیون صهیونیسم» در انگلستان و ایرلند ارسال کرد، و گروه های صهیونیستی به تدریج در فلسطین مستقر شدند. آنها از همان آغاز، به هیچ وجه قصد همزیستی با فلسطینیان را نداشتند، بلکه برعکس فکر و ذکرشان این بود که چگونه می توان فلسطینی ها را از آب و خاکشان بیرون راند و سرزمینشان را تصاحب کرد. این تهاجم و وحشیگری تا سال ۱۹۴۸ بعد از پایان جنگ جهانی دوم و تشکیل دولت جعلی اسرائیل با رای سازمان ملل ادامه یافت. صهیونیست ها از آغاز تا به امروز -به خصوص امروز- در این فکر بوده و هستند که چگونه می توان فلسطینی ها را از سرزمین مادریشان راند و یهودیان را از اقصی نقاط جهان جایگزین آنها ساخت. نتیجه این شد که بعد از استقرار دولت جعلی اسرائیل در سال ۱۹۴۸ هشتصد هزار فلسطینی از منزل و ماواشان رانده و آواره شدند و ۱۵ هزار نفر نیز کشته شدند. فلسطینی ها به حق نام این رویداد ضد بشری را «نکبت» نهادند تعداد زیادی از آنها ناگزیر به کشورهای همجوار نظیر اردن گریختند. از همان زمان تا به امروز علیرغم امضای آبیکی و خاتمانه قرارداد اسلو که در بالا به آن اشاره رفت، رژیم صهیونیستی اسرائیل در این فکر نبود که سر زمین فلسطین را با صاحبان اصلی آن تقسیم کند، بلکه با ساختن شهرک ها، بدون وقفه تا به امروز عرصه را بر فلسطینی ها تنگ و تنگ تر کرد. زیرا که ایدئولوژی ارتجاعی صهیونیستها بر این اعتقاد است که: اینجا «سرزمین موعود» است!! همین حزب لیکود که نتایج احمقانه جلا در رأس آن قرار دارد، از سال ۱۹۷۷ تصویب کرد که در کرانه باختری یک دولت فلسطینی ایجاد نخواهد شد؛ در ژوئن سال جاری نیز پارلمان این کشور با رای اکثریت تصویب کرد که هرگز یک کشور

فلسطینی در کنار اسرائیل تشکیل نخواهد شد. به بیان ساده تر صهیونیستها که به زور فلسطین را اشغال کرده اند، به هیچوجه حاضر به تحمل یک دولت فلسطینی در کنار خود نیستند بلکه آنها را از مسکن و وطنشان می رانند، می کشند، به زندان می اندازند و ... ما دام که این نظام و این جنایات بر سرزمین فلسطین حاکم است، راه حل صلح آمیز غیر قابل تصور است. و امروز با اطمینان می توان گفت، مادام که صهیونیستها در قدرتند و با این توجیه «که ما بازماندگان هولوکاست هستیم و حق داریم هر جنایتی مرتکب شویم، مقاومت نیز زنده خواهد ماند و به رزم خود ادامه خواهد داد.

روزی قذافی می گفت که اگر آلمان ها به خاطر جنایاتی که نازی ها نسبت به یهودیان مرتکب شده اند وجدان ناآرامی داشتند، می توانستند یهودیان را در منطقه «آکراس - لورن» در مرز میان آلمان و فرانسه مستقر کنند ولی نه، آنها را با پشتیبانی آمریکا و اروپا و صهیونیسم بین الملل در فلسطین اسکان دادند و به آنها در تشکیل دولت صهیونیستی همه جانبه کمک کرده و هنوز هم می کنند. آنها بار گناه صد ساله اروپائیان در سرکوب یهودیان را عملاً بر سر فلسطینیان آوار کردند و سپس به صهیونیستها کمک کردند تا فلسطینی ها را سرکوب و به وحشیانه ترین وجهی به سیاست نسل کشی خود ادامه دهند.

و امروز که صهیونیستها مجدداً بعد از جنایات ۱۸ ساله در پایان قرن گذشته در لبنان و نیز جنگ ۲۰۰۶ علیه حزب الله در این کشور شکست خوردند و مجدداً قصد نابودی آنها را کرده اند، کماکان قدرتهای غربی و در رأسشان آمریکا آتش بیار جهانی شده اند که اسرائیل در منطقه بر پا کرده است. خیلی ها در خود اسرائیل و در اروپا و «جنوب جهانی» از خود می پرسند که آیا در آینده کشور اسرائیل می تواند به بقای خود ادامه دهد؟ امروز فلسطینی هاو لبنانی ها قربانی جنایات اسرائیل هستند و فردا بدون شک این فاشیسم سبزهکار، در صورت بقای خود، گریبان نیروهای درون جامعه یهود را نیز خواهد گرفت.

یهودیان ضد صهیونیست چه در فلسطین اشغالی و چه در آمریکا و اروپا، همین امروز علیه نظامی که صهیونیستها ایجاد کرده اند به مخالفت و بعضاً به مبارزه برخاسته اند. امروز فقط ۳۰٪ از یهودیان آمریکا و اروپا جانبدار سیاست صهیونیست های در قدرت، در کشور جعلی اسرائیل هستند. اما در درون کشور جعلی اسرائیل گرچه اکثریت جانبدار سیاست فاشیستی و راسیستی صهیونیستهای در قدرت هستند، ولی روز بروز بر تضادهای داخلی افزوده می گردد و نابودی را برای صهیونیست ها به ارمغان خواهد آورد.

به دیگر سخن، رژیم صهیونیستی که از سوی نبرد جانانه جبهه مقاومت، جامعه بیدار جهانی و یهودیان ضد صهیونیست تحت فشار بی سابقه قرار گرفته است، دیریا زود از هم فروپاشیده و به گورستان تاریخ سپرده خواهد شد.*

چرا ارتش اسرائیل... دنباله از صفحه ۸

متری زیر زمین در نوار غزه حفر شده اند. اما آنچه واقعیت دارد این است، اینها فقط حفره ها و معابر به هم پیوسته نیستند، بلکه سازه های زیرزمینی به خوبی مستحکم با اتاق های جادار و ارتفاع سقف حداقل دو متر هستند. طول کل آنها در سال ۲۰۲۱ به ۵۰۰ کیلومتر رسید. وجود استحکامات زیرزمینی توسط گزارشی که دو سال پیش توسط شبکه تلویزیونی قطری الجزیره تهیه شده بود تأیید می شود که خبرنگار آن به نوعی از شبکه تونل حماس بازدید کرده بود. در همان سال، ارتش اسرائیل در حین ساخت دیوار در مرز با نوار غزه، تونل هایی را کشف کرد که از این منطقه به عمق خاک اسرائیل منتهی می شد. با قضاوت بر اساس فیلم های منتشر شده، مناطق استراحت رزمندگان نظامی فلسطینی، پست های فرماندهی با دستگاه های ارتباطی در اعماق زیرزمین قرار دارند و کابل ها نیز در امتداد دیوارها نصب اند. این استفاده ارتباطات آنالوگ است که بدون ارتباط فیزیکی قابل رصد نیست و کارشناسان به عنوان یکی از دلایل تأخیر اطلاعاتی اسرائیل در تدارک حمله اخیر طوفان الاقصی توسط نیروهای حماس و سایر گروه های فلسطینی اشاره می کنند.

مکان های ذخیره سازی ویژه ای برای اسلحه و مهمات وجود دارد، از جمله موشک های غیرهدایت شونده قسام که فلسطینی ها هزاران هزار را از مواد ضایعاتی تولید می کنند. با قضاوت بر اساس ویدئوی اخیر، سازمان حماس حتی موشک هایی را بدون اینکه به سطح زمین برود پرتاب می کند. این فیلم هم مسلسل و هم مهمات خمپاره را نشان می داد. بدیهی است که جنبش مقاومت فلسطینی حماس برای مقابله با ارتش متجاوز اسرائیل که از آغاز عملیات زمینی اعلام شده قبلی در نوار غزه مردد هستند، با دقت بسیار آماده شده اند. اکنون نیروی هوایی اسرائیل وحشیانه مناطق مسکونی غزه را به ویرانه تبدیل می کند، غیرنظامیان فلسطینی را می کشد، اما سازمان حماس بی سر و صدا در بال ها در پناهگاه های زیرزمینی قابل اعتماد منتظر هستند و کمین کرده اند. هجوم به این هزارتوها قطعاً برای ارتش اسرائیل اگر نگوییم غیرممکن، کاری بسیار دشوار خواهد بود. علاوه بر این، بسیاری از خروجی های استتار شده به سطح به رزمندگان نظامی اجازه می دهد تا حملات غافلگیرکننده ای را به سربازان اسرائیلی که در تلاش برای عبور از ویرانه های شهری غزه هستند، انجام دهند. بعلاوه گذرگاه هایی که به «خاک اسرائیل» منتهی می شوند که توسط ارتش متجاوز اسرائیل کشف نشده اند و مطمئناً برای انجام عملیات نظامی استفاده خواهند شد. این تونل ها یکی از شاهکارهای جنبش مقاومت فلسطین ... ادامه در صفحه ۷

دست امپریالیسم، صهیونیسم و متحدان تروریستان از ایران کوتاه باد!

چرا ارتش اسرائیل... دنباله از صفحه ۶

است که موفق شدند در مقابل یکی از قدرتمندترین ارتش استعماری در خاورمیانه چنین دژ مستحکمی را بنا کنند و به نبردشان ادامه دهند.

۱۲ ماه مقاومت حماسی، ۱۲ ماه مقاومت مرگ و زندگی در مقابل ارتش متجاوز و خون ریز صهیونیستی، یکی از شاهکارهای تاریخ بشری است، شاهکاری که افسانه قدر قدرتی و شکست ناپذیری ارتش اسرائیل با اینهمه حمایت مالی و تبلیغاتی امپریالیسم آمریکا و کل جهان غرب را درهم شکست. تمام اهداف ارائه شده برای خلع سلاح جنبش مقاومت فلسطین با شکست روبرو شد و ارتش اسرائیل را درین بست کامل قرار داد. شمار کشته ها و مجروحان اسرائیلی از مرز ۷۰۰۰ نفر گذشته است و این حجم تلفات در تاریخ ۷۵ سال اشغال فلسطین و سلطه صهیونیسم، رخ نداده و اسرائیل را در بحران عمیق امنیتی، نظامی و چند دستگی اجتماعی فرو برده است. زنده باد نبرد قهرمانانه جنبش رهاییبخش فلسطین علیه متجاوزین صهیونیست.*

بیانیه دفتر سیاسی جبهه... دنباله از صفحه ۸

اعتراضات جهانی به جنایات وحشیانه خود در انزوای بی سابقه ای قرار گرفت، در حالی که دیوان بین المللی دادگستری علیرغم محدودیت هایی که مانع کار رژیم صهیونیستی می شود، تصمیماتی در محکومیت جنایات اشغالگر صادر کرد. این دادگاهها به دلیل فشارهای دولت آمریکا و همچنین فشارهای بین المللی بر نهادها در مجامع بین المللی تشدید شد و صدای فلسطین در برابر دروغهای صهیونیستها منعکس شد که اعتراضات جهانی بی سابقه ای به ویژه در دانشگاه های جهان را در پی داشت.

خلق ما و مقاومت ما در خلال یک سال اخیر فداکاری های عظیمی کردند که از صدها هزار شهید، مجروح، مفقود و اسیر فراتر رفت، زیرا درگیری از نوار غزه تا کرانه باختری و سپس به لبنان گسترش یافت.

رهبران ارشد در این نبرد به رهبری فرمانده شهید، استاد شهید حسن نصرالله، رهبر نمادین اسماعیل هنیه، فرمانده صالح العاروری ولیستی طولانی از رهبران و کادرهای جبهه خلق به رهبری رفیق نضال عبدالله قیام کردند. یکی از اعضای دفتر سیاسی و مقام ریاست امنیتی و نظامی ما شهید شد.

غزه و کرانه باختری شاهد بمباران بیسابقه و تخریب گسترده عظیم زیرساختها توسط صهیونیستها بودیم که در هیچ درگیری یا جنگ قبلی قابل مقایسه نیست که منجر به رنج صدها هزار نفر از آواره های اجباری گردید. علاوه بر ارتکاب جنایات وحشیانه بی سابقه ای توسط اشغالگران علیه غیرنظامیان، از بمباران بیمارستان ها و مدارس گرفته تا تخریب تاسیسات حیاتی و جلوگیری از... رسیدن کمک های بشردوستانه و همچنین هدف قراردادن خبرنگاران و گسترش آواره گی دریغ نکردند.

علیرغم تلاش های دشمن برای آوارگی مردم ما در غزه و کرانه باختری، ایستادگی مردم و مقاومت آنها این نقشه ها را خنثی کرد و دشمن نتوانست به اهداف خود در حذف مقاومت یا بازگرداندن اسرا دست یابد.

مقاومت همچنین توانست تلفات رهبری خود را جبران کند و کنترل نبرد را در دست بگیرد، در حالی که کرانه باختری با تشدید مقاومت مسلحانه در آنجا ثابت کرد که عنصر اصلی معادله درگیری است.

بر این اساس دفتر سیاسی جبهه خلق برای آزادی فلسطین بدین مناسبت بر نکات زیر تاکید دارد:

یکم: نبرد طوفان الاقصی نقطه عطفی استراتژیک در تاریخ مقاومت فلسطین بود و درس های آن در دانشکده های نظامی چه در برنامه ریزی و چه در اجرا ادامه خواهد یافت.

دوم: دشمن در دستیابی به اهداف اعلام شده خود که مهمترین آنها حذف مقاومت آزادی اسرا بود، ناکام ماند و در غزه، کرانه باختری و لبنان در حالت سردرگمی و شکست ادامه می دهد.

سوم: مقاومت توان و نیروی خود را به اثبات رساند و توانست رهبران خود را جایگزین کرده و توان دفاعی و تهاجمی خود را افزایش دهد.

چهارم: مقاومت همچنان به خواسته های اساسی خود پایبند است: خروج کامل از غزه، توقف تجاوز، بازگشت آوارگان، بازسازی و رفع کامل محاصره.

پنجم: تاکید بر ضرورت احیای وحدت ملی فلسطین و تدوین سیاست راهبردی مقاومت همه جانبه برای مقابله با چالش های بزرگ تحمیل شده توسط اشغالگران

ششم: تشدید مقاومت مسلحانه در کرانه باختری یک انتخاب استراتژیک برای جناح های مقاومت است و عنصر اساسی در معادله درگیری به شمار می رود.

هفتم: توده های عرب موظفند برای مقابله با سیاست های رژیم های ارتجاعی، توقف عادی سازی و حضور در خیابانها در حمایت از فلسطین و مقاومت، پیشقدم شوند.

در این روز باشکوه سال گذشته، صدها رزمنده مقاومت توانستند در عرض چند ساعت شکستی هولناک بر لشکر صهیونیست وارد کنند و توانستند بخش های زیادی از سرزمین های اشغالی ما را تحت کنترل خود درآورند و با صدها سرباز و افسر اسیر بازگردند.

هشتم: تشدید جنبش های توده ای جهانی باید با قدرت بیشتری ادامه یابد تا جنایات اشغالگران افشا شود و حمایت غرب و آمریکا از تجاوزات اسرائیل محکوم گردد.

درخاتمه به نام جناحها و محورهای مقاومت، با مردم، ملت و آزادگان جهان عهد می بندیم که مقاومت فروزان خواهد ماند و تا زمانی که متجاوز شکست نخورد، خاموش نخواهد شد. فلسطین آزاد خواهد شد. تا زمانی که اراده خلق ما محکم و عزم آنها تزلزل ناپذیر باشد، پیروزی اجتناب ناپذیر است.

سرافرازی شهدا، آزادی اسیران و پیروزی ما ناگزیر خواهد بود.

جبهه خلق برای آزادی فلسطین
دفتر سیاسی
۱۷ اکتبر ۲۰۲۴*



مقالات توفان الکترونیکی شماره ۲۱۹ مهر ۱۴۰۳

را در تارنمای توفان مطالعه نمائید!

توفان الکترونیک در اول هر ماه میلادی منتشر می شود!

ایران جمهوری اسلامی نیست، ایران میهن ماست و باقی خواهد ماند



چرا ارتش اسرائیل در خلع سلاح جنبش مقاومت فلسطین شکست خورده است؟

بیش از ۱۲ ماه از نبرد قهرمانانه جنبش مقاومت علیه یکی از قدرتمندترین ارتش استعماری می گذرد. این مقاومت یکی از شاهکارهای تاریخ جنبش رهاییبخش در جهان است. تونل های ۵۰۰ کیلومتری در غزه بعنوان سنگرهای مبارزه علیه دشمن متجاوز صهیونیست حقیقت دارد و موجب بقاء جنبش مقاومت فلسطین شده است. فلسطینی ها طی دهه ها رویارویی با دشمنی که از نظر فنی مجهزتر است و دارای انواع سلاح های مدرن است، از تاکتیک های قدیمی استفاده کرده اند که به آنها اجازه می دهد نیروی انسانی را نجات دهند و مخفی شوند. سلاح و مهمات در مکان های غیر قابل دسترس برای موشک ها و بمب های اسرائیلی. تحلیل گران نظامی تاکنون در مورد پناهگاه ها و تونل های زیادی درغزه نظر داده اند که تا عمق بیست ... ادامه در صفحه ۶

بیانیه دفتر سیاسی جبهه خلق برای آزادی فلسطین

به مناسبت اولین سالگرد نبرد طوفان الاقصی

نبرد طوفان الاقصی یک نقطه عطف استراتژیک در مبارزه ما است و مقاومت متوقف نخواهد شد.

دراولین سالگرد حماسه ۷ اکتبر (نبرد طوفان الاقصی) با افتخار و احترام از این رویداد استثنایی در مبارزات خلق فلسطین یاد می کنیم، زیرا آن لحظه اراده مقاومت پولادین را در چهره خود تجسم می بخشد. این نبرد قهرمانانه نشان دهنده یک تغییر استراتژیک در روند درگیری بود که ضعف و شکنندگی دشمن و شکاف های سیستم بازدارندگی نظامی آن را آشکار و بحران های داخلی آن را عمیق تر کرد.

در مقابل تجاوزات همه جانبه رژیم صهیونیستی در یک سال گذشته، مقاومت توانست عملیات کیفی انجام دهد که توان نظامی دشمن را فلج کرد و رهبری آن را که تصور می کرد در عرض چند هفته قادر به از بین بردن مقاومت است، دچار سردرگمی کرد. در مانورهای زمینی، رژیم اشغالگر علیرغم کمک های حامیانش متحمل تلفات جانی و خسارات نظامی و ابزاری شد. مقاومت به حملات موشکی شهرها و شهرک های اسرائیل ادامه داد.

وحدت جبهه های نبرد میان جناح های محور مقاومت از فلسطین، لبنان، یمن و عراق با مشارکت مؤثر جمهوری اسلامی ایران به نمایش گذاشته شد که با موشک ها، به فرسوده شدن دشمن و توسعه معادله و بازدارندگی کمک کرد. پهبادهای ضربه زدن به عمق رژیم صهیونیستی و حضور مقاومت در صحنه منطقه را تقویت کرد.

در سطح سیاسی و بین المللی، رژیم صهیونیستی با تشدید موج ... ادامه در صفحه ۷

Workers of all Countries, unite!

Toufan

توفان

Central Organ of the Party
of Labour of Iran

No.296 November 2024

نیات شوم صهیونیسم در غزه و لبنان

هدف رژیم صهیونیستی تروریستی اسرائیل از حمله هوایی و زمینی به لبنان، کشتار جنایتکارانه اعضای رهبری و رزمندگان حزب الله، کشتار مردم بی دفاع، نابودی مناطق مسکونی و زیرساختهای کشور لبنان، خالی کردن زیر پای حزب الله به مثابه یکی از قدرتمندان جبهه مقاومت و خنثی سازی آنست. این درحالیست که ارتش کودک کش صهیونیسم اسرائیل در باتلاق جنگ غزه گرفتار آمده است و به هیچیک از اهدافش مبنی بر از بین بردن نیروی مقاومت حماس و دیگر سازمان های محور مقاومت در فلسطین و آزادی گروگان های اسرائیلی نرسیده است. از اهداف این اهریمن جنگ افروز، علاوه بر این، با کشتن اسماعیل هنیه رهبر سیاسی حماس در تهران و سردار نیلفروشان به همراه سید حسن نصرالله رهبر حزب الله و حمله به سفارت ایران در سوریه و ... قصد تضعیف ایران و درنهایت کشتن پای ایران به جنگ است. سایر نیروهای جبهه مقاومت، چه در سوریه، چه در عراق و چه در یمن نیز از اعمال تحریک آمیز و جنایات اسرائیل در امان نیستند. او می پندارد که قادر است با خنثی سازی نیروهای مقاومت در نهایت ایران را هم تضعیف و ضربه پذیر کند و ایران، درست به همین دلیل از نیروهای مقاومت، ... ادامه در صفحه ۴

سخنی با خوانندگان نشریه توفان

نشریه ای که در دست دارید، زبان مارکسیست - لنینیست های ایران است. «توفان»، نشریه «حزب کار ایران»، حزب طبقه کارگر ایران است. این زبان برای هرچه راستتر شدن به یاری همه کمونیست های صدیق، چه از نظر مادی و چه معنوی نیاز دارد. نظریات و پیشنهادات خود را برای ما ارسال دارید. ما را در جمع آوری اخبار، اسناد و اطلاعات از ایران و جهان یاری رسانید و از تشکل نهضت کمونیستی حمایت کنید. به ما کمک مالی برسانید، زیرا ما تنها به اتکاء بر نیروی خود پابرجاییم و به این مساعدت ها، هر چند هم جزئی باشند، نیازمندیم. در توزیع این نشریه ما را یاری رسانید.

P.O. Box 1138

D64526 Mörfelden-Walldorf

E-Mail: toufan@toufan.org

Internet: www.toufan.org

Internet: www.toufan.de

Postbank Hamburg

BIC: PBNKDEFFXXX

Bank Account No.: 2573 3026 00

IBAN: DE70 2011 0022 2573 3026 00

حقی به عنوان حق اشغال وجود ندارد. اسرائیل رژیم صهیونیستی، کودک کش، جنایتکار و اشغالگر است